

حلول عید سعید فطر تبریک و تهنیت باد

« عید، حاکمیت دولتی، فساد اجتماعی، نیروهای خارجی و مردم »
(صباح)

مردم زجر کشیده ی افغانستان با تحمل فجیع ترین مصیبت ها به وضوح دیده بودند که: ایالات متحده چگونه گروه های نظامی مختلفی را تحت عنوان "مجاهد" سازماندهی کرد و نهایتاً هم خونخوارترین این مزدوران را، به نام "طالب"، بر زندگی محقر آنان مسلط ساخت!



« آروند هاتی روی » ، نویسنده جوان هندی و خالق رومان بی نظیر « خدای چیزهای کوچک » در مقاله ی تحلیلی « معادله عدالت نامحدود » که « جهادی های افغانی » ارتش غیرمستقیم ایالات متحده بود که (سیا) نیروهای خشک اندیش را از چهل کشور مسلمان؛ از جمله بازوی نظامی وهابی های عربستان سعودی به رهبری اسامه بن لادن ، به سال نوزده صد و هفتادونو- برای تشکیل آن در افغانستان گرد آورده بود تا حاکمیت افغانستان را سقوط و جمهوری های مسلمان نشین اتحاد جماهیر شوروی را از درون تحریک کند. « روی » تاکید می ورزد که پس از مدتی ، سیا برای تامین هزینه ها وسازو برگ نظامی ارتش غیر مستقیم خود ، صدها لایراتوار هروئین سازی در مرز افغانستان و پاکستان برپا کرد که در آمد سالانه شان سر به صد تا دوصد میلیارد دالر می زد...

حلول پرمیمنت عید سعید فطر را به هموطنان گرامی ، نشریه های ملی ، میهنی و مترقی، از صمیم قلب مبارکباد میگویم و از بارگاه خالق لایزال تمنا دارم که به برکت این ماه خجسته و فرخنده عبادت همه مردم رنج دیده و مصیبت کشیده قبول و منظور گردد. (امین یار بلعالمین) بیاید همه باهم دستهای ماترابه بارگاه

ملکوتی قادر بزرگ و توانا بلند نمایم تا به فیض و بخشش خویش صلح و آرامی، خیر و سعادت، خوشی و خوشبختی، فیض و برکت، موفقیت و کامیابی و پیروزی و بهروزی رانصیب مردم ستم دیده ورنج کشیده افغانستان گرداند. انشاءالله.

مادرشرايطی عید پربرکت فطرتراجلیل مینمایم که وجود چندین هزار نیروی خارجی در کشور باری از مشکلاتی را از دوش مردم رنج کشیده مابر نداشته، بلکه درگیری آنها با طالبان به تعداد قربانیان و مردم بی دفاع افزوده است.

چرا آمریکا و سایر کشورهای که ادعا می کنند در کشور به دلیل برقراری امنیت و مبارزه با تروریسم حضور دارند، تاکنون جزا ویرانی و کشتن قدمی بر نداشته اند، باید از این مدعیان حقوق بشر پرسید کمکه های بین المللی را جز امرار معاش روزانه خود در کجا صرف کرده اند؟ به راستی سهمی اندک از میلیاردها دالر کمک بین المللی و منابع نامحدود معدنی افغانستان، چرا برای چنین مشکلات صرف نشده است؟ از جانب دیگر بیروکراسی و فساد اداری در کشور بیداد میکند.

فساد در کشور ما دوشادوش دستگاه های دولتی به پیش رفته است، تاثیر جنگ های خانمانسوز و گماشتن انسانهای بی بندوبار و استفاده جو مخصوصا در سالهای چور و چپاول کشور وسیله افراد تنظیمی و بیسواد باعث شد تا این پدیده شوم دولت و جامعه جهانی رابه تهدید مواجه سازد. بدون شک وارد کردن ضربات کوبنده و پیهم فساد و اختلاس بر سیاستهای دولت، باعث از بین رفتن منافع ملی گردیده و حاکمیت رابه نابودی و گمراهی تهدید مینماید.

دریک تحقیق که موسسه (انٹیگریٹی واچ افغانستان) انجام داده است، پنجاه و چهار فیصد کسانی که مورد سوال قرار گرفته اند، گفته اند که فساد اداری نظام اخلاقی جامعه را تخریب کرده است، پنجاه و هفت فیصد براین نظر اند که مشروعیت و موثریت دستگاه دولتی را از میان برده است و شصت و پنج فیصد می گویند که همین فساد اداری مستقیماً بوضع امنیتی آنها اثر می گذارد.

بسیاری معتقد بوده اند که معاش و حقوق اندک ماموران دولتی موجب شیوع فساد اداری می باشد. سه شکل مهم فساد اداری که در افغانستان بسیار برجسته می باشند عبارت اند رشوت خوری، مشکل تراشی در اجرای کارهای مراجعین و خویشخوری. ضعف دستگاه اداری دولت، نبودن مجازات و تعزیرات علیه فسادپیشگان در دستگاه دولتی و حاکمیت فرهنگ معافیت از بازخواست، موجب گسترش این بیماری شده است.

بیشترین کسان، یعنی چهل و یک فیصد کسانی که مورد سوال قرار گرفته اند، فاسد ترین دستگاه را در دولت افغانستان، دستگاه قضایی خوانده اند، پس از آن در طبقه دوم بخش امنیتی می باشد که بیست فیصد بدان اشاره کرده اند، در درجه سوم گمرکات است که پانزده فیصد از آن نام برده اند و بلاخره در مرحله چهارم شاروالیها فاسد ترین نهاد ها شناخته می شوند که سیزده فیصد بدان اعتراف کرده اند. بی جهت نیست که با تمرکز فساد در دستگاه قضایی و امنیت کشور، بیعدالتیها و ناامنیها روز تا روز افزایش می یابند و کار بدانجا می رسد که حامیان خارجی دولت افغانستان نیز از سقوط و تنزل مشروعیت دولت مورد حمایت شان سخن به میان آورند.

وجود بیش از سه دهه جنگ و بی ثباتی در کشور، نوعی فرهنگ سیاسی خاص را در کشور پرورش داده است. از ویژگی های این فرهنگ سیاسی می توان به جنگ سالاری، تمامیت خواهی، قانون گریزی، قبیله گرایی، منطقه گرایی، و ... اشاره کرد. یکی از جدی ترین نیروهای بحران ساز وجود فرماندهان و جنگ سالاران متعدد است که تنها به طور موقت راضی نگه داشته شده اند. این نیروها با در نظر گرفتن زمان، همواره موقعیت خود را در صحنه سیاسی ارزیابی می کنند و به محض اینکه احساس کنند منافع آنها به خطر افتاده، با جنگجویان که در اختیار دارند، سعی در بی ثبات سازی دولت می کنند.

نماینده پیشین سازمان ملل متحد در افغانستان از احتمال بروز جنگ های داخلی در کشور هشدار می دهد. کای ایدی در گفتگو با الجزیره بر نیاز به تغییر در سیاست های موجود در افغانستان تاکید می ورزد. در حالی که وی کرزی را به جنگسالاران وابسته می داند از سیاست های واشنگتن در برابر افغانستان نیز به شدت انتقاد می کند.

در همین حال حکومت افغانستان بدین باور است که مهم پنداشتن چنین گفته ها تنها باعث افزایش مشکلات در کشور می شود. با گذشت بیش از دو سال از پایان ماموریت این دیپلمات نروژی در افغانستان، اکنون از چالش های یاد می کند که مانع کار وی بوده است. کای ایدی آوردن تغییرات در افغانستان را از آرزوهای آغاز کارش به عنوان نماینده ویژه سازمان ملل در افغانستان می داند اما وی اعتراف می کند که بسیار زود از این تلاش خسته شد.

کای ایدی، نماینده ویژه پیشین سازمان ملل در افغانستان اظهار داشت که در نخست روابط من با رییس جمهور کرزی خوب و دوستانه بود، اما با گذشت زمان اوضاع دگرگون شد. وی در ادامه گفت: رییس جمهور کرزی از من ناراحت بود زیرا فکر می کرد که من باتوان کامل در برابر مداخله های آشکار ایالات متحده امریکا و کشورهای خارجی دیگر در انتخابات ریاست جمهوری، در کنار او نایستادم، من نیز از کرزی ناراحت بودم زیرا وی به جنگ سالاران و کارگذاران قدرت وابسته است، کسانی که در دهه های پیش افغانستان را نابود کردند و نباید به آنان اجازه داده می شد تا آینده این کشور را آلوده سازند. این نماینده پیشین سازمان ملل در افغانستان اظهار داشت که علت اصلی و خاطره تلخ من اختلاف فزاینده من با سیاست های واشنگتن در برابر افغانستان بود. نیازهای مهم غیرنظامی و سیاسی، به عنوان پیوست هایی با وظایف نظامی پنداشته می شدند. واشنگتن هرگز به گونه واقعی با سازمان ملل در مسایل مهم مشورت نمی کرد. وخامت روز افزون اوضاع امنیتی، اختلاف سیاسی و دشمنی های سیاسی چالش های هستند که کای ایدی آنها را فراراه تلاش ها و پیشرفت ها در افغانستان می داند.

از طرف دیگر براساس اعلام کمیته بین المللی موادمخدر موسوم به ای. ان. سی. بی (INCB) مربوط به سازمان ملل متحد، تولید هیروئین در افغانستان در سال دوهزاروهفت میلادی در مقایسه با سال دوهزاروشش، سی وچهار فیصد رشد داشته و با وجود تلاش های بین المللی برای کاهش تولید موادمخدر در همین سال، در مجموع هشت هزار و دوصد تن هیروئین در افغانستان تولید شده است. در این مدت کاشت خشخاش در هفده فیصد افزایش یافته و هم اکنون یکصدونودوسه فیصد از موادمخدر موجود در بازارهای جهان در افغانستان تولید می شود. پیش تر نیز آنتونیو ماریو کاستا، رئیس اداره موادمخدر سازمان ملل متحد اعلام کرده بود که تولید تریاک در افغانستان با ناامنی ها و خشونت های جاری در این کشور رابطه مستقیم دارد.

همین مسئول سازمان ملل هشدار داده بود که اروپا، روسیه و کشورهایایی که هدف تولید تریاک در افغانستان هستند، باید خود را برای مقابله با تبعات امنیتی و سلامتی این ماده مخدر آماده کنند زیرا کشت خشخاش در افغانستان همواره افزایش داشته است و آمار تولید تریاک تا پایان سال دوهزاروهشت به طور غیرمنتظره ای افزایش خواهد داشت. واقعیت این است که از زمان حمله نیروهای ائتلاف به افغانستان، وظیفه مبارزه با تولید و قاچاق موادمخدر در کشور به نیروهای خارجی به ویژه انگلیسی واگذار شده اما هر سال با رشد کشت خشخاش و در نهایت با افزایش تولید موادمخدر روبه رو بوده ایم. افزایش تولید موادمخدر در افغانستان در حالی صورت می گیرد که نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا در افغانستان مسئول اصلی مبارزه با تولید موادمخدر در کشور هستند.

افغانستان بزرگترین تولیدکننده موادمخدر در جهان به حساب می آید. دولتمردان آمریکایی پس از حمله نظامی به افغانستان اعلام کردند که یکی از عمده ترین برنامه انا ن نابودی مزارع خشخاش، جلوگیری

از کشت آن و ممانعت از قاچاق مواد مخدر است. حقیقت این است که دولت آمریکا پس از تصرف افغانستان نه تنها هیچ گاقدمی جدی برای جلوگیری از کشت خشخاش و قاچاق مواد مخدر برداشت بلکه در بسیاری از موارد نیز به مافیای مواد مخدر در کشور کمک کرده است. طی بیش از هفت سالی که از حمله آمریکا به افغانستان می‌گذرد علی‌رغم ادعاهای آمریکایی‌ها مبنی بر تلاش برای کاهش کشت خشخاش در کشور و جلوگیری از تولید مواد مخدر، آمارهای موجود از افزایش تولید مواد مخدر در کشور و قاچاق آن به سایر نقاط جهان خبر می‌دهد.

افزایش کشت و برداشت مواد مخدر در حالی انجام می‌گیرد که دولت عملاً بر بخش‌های جنوبی افغانستان کنترل عمومی ندارد و گروه‌های نظامی مخالف، دهقانان و دلان در کنار برخی نیروهای فاسد دولتی و پولیس تجارت مواد مخدر راحرفه اصلی خود قرار داده‌اند. افغانستان پیشتر نیز به عنوان بزرگترین تولیدکننده تریاک در سطح جهان شناخته می‌شد و ۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی از تجارت مواد مخدر به دست می‌آید. بیشتر هروئین به دست آمده از خشخاش در اروپا و آسیا فروخته می‌شود. افزایش کشت خشخاش نیز بیشتر در پنج ولایت در جنوب و به خصوص در هلمند، قندهار و ارزگان صورت پذیرفته است یعنی همان مناطقی که به خاطر حملات مداوم طالبان شرایط امنیتی باثباتی نیز ندارند. سازمان ملل متحد در خصوص افزایش تولید خشخاش در عین حال تأکید می‌کند که بخش‌های جنوبی افغانستان به علت کشت و برداشت گسترده مواد مخدر و تجارت آن، تروریسم، جنایت و فساد به مکان خطرناکی تبدیل شده است. بنابر اظهارات سازمان ملل متحد ارتباطی قوی میان تشدید شورش و ناآرامی و افزایش تولید مواد مخدر در افغانستان یافته است. همچنان طالبان دهقانان را به افزایش کشت خشخاش در برابر حفظ امنیت و جان خود دعوت می‌کند. طالبان در عین حال برای حفاظت از کاروان‌های حمل مواد مخدر در مناطق مرزی، از دلان این مواد مالیات دریافت می‌کند. به اعتقاد ملل متحد عدم توانایی دولت در کنترل منطقه و حضور والیان جنگ طلب، فاسد و قدرتمند در آن برمی‌گردد. وقوع خشکسالی نیز به مشکلات دامن زده است زیرا هیچ جایگزینی برای کشت خشخاش در آن وجود ندارد. با وجود آنکه دولت فعالیت‌های اندکی برای مقابله با کشت خشخاش را توسعه بخشیده است اما در راه بازداشت و ازکار برکنار کردن مقامات دولتی فاسد و تاجران مواد مخدر، موفقیت چندانی به دست نیاورده است.

هنوز قاچاق مواد مخدر، معادن، انبارهای اسلحه، چوروچپا و سرمایه‌های دولتی و شخصی، رشوت و رشوت ستانی، قتل و جنایت‌های تکان‌دهنده، دزدی و اختلاس، خویش خوری و قوم پرستی ... به پیمانۀ زیادی به چشم می‌خورد، با اندوه فراوان با گذشت هر روز وسعت بی‌سابقه پیدا نموده و قانون و دولت را زیر سوال برده‌اند.

از یکطرف نگرانی‌های بین‌المللی از تشدید بحران در افغانستان و افزایش خطر طالبان، تا جایی پیش رفت که برخی از مقام‌های سازمان ملل حتی از احتمال بازگشت افغانستان به دوران سیاه گذشته در نتیجه افزایش خشونت طالبان و کم‌توجهی بین‌المللی به این کشور تحت تأثیر بحران عراق سخن گفتند. کمیسر عالی امور پناهندگان سازمان ملل در افغانستان با بیان اینکه علایم نگران‌کننده‌ای در این کشور مشاهده می‌شود، در جنوب افغانستان خطر و تهدید طالبان و القاعده همچنان باقی است و این احتمال وجود دارد که افغانستان بار دیگر به کشور ناکام مبدل شود و در اختیار تروریست‌های مواد مخدر و جنگسالاران جنایت‌پیشه قرار گیرد. باصمیمیتهای بی‌پایان و محبت‌های فراوان.